

جامعه اسلامی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

چکیده:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) فرآیند تحقق اهداف اسلامی را در قالب جامعه‌ی اسلامی را از سال ۳۸ در قالب سخنرانی‌های متعددی تا کنون بیان فرموده‌اند. ایشان الگوی رسیدن به جامعه‌ی اسلامی را در قالب پنج راهبرد مطرح نموده‌اند که عبارتند از: «ایجاد انقلاب اسلامی و در ادامه آن تشکیل نظام اسلامی و در مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی می‌باشد که نتیجه تشکیل دولت اسلامی تشکیل کشوری با مدیریت جامع قوانین اسلام است و چنین کشوری می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تمدن بین‌المللی اسلامی باشد چرا که در این مرحله می‌تواند با مراودات با کشورهای دیگر زمینه صدور فرامین و قوانین دین اسلام را به سایر ملت‌ها فراهم نماید.» پژوهش حاضر بر آن است تا به این سوال پاسخ دهد که جامعه اسلامی چگونه و به چه صورت در شکل‌گیری و قوام منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نقش آفرینی می‌کند. در پژوهش حاضر کوشیده می‌شود که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مفهوم «جامعه اسلامی»، نحوه تکوین و شکل‌گیری منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد ابعاد نظری جامعه اسلامی توضیح داده شود. کنکاش‌ها بیانگر آن است که شاخصه‌های تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در متن پژوهش آورده می‌شود- بنا به نحوه تقدم و تاخر، هر کدام به گونه‌ای در معماری فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی) موثر واقع بوده‌اند. از این مقاله اینگونه مستفاد می‌گردد که منظومه فکری مقام معظم رهبری برساختی از شاخصه‌های تمدن اسلامی-یعنی محوریت قوانین قرآن، ایمان، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی- می‌باشد و شاخصه‌های جامعه اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی که خود نیز قوام دهنده، دوام دهنده و تکوین‌گر نظم نوین جامعه اسلامی قلمداد می‌گردد.

واژگان اصلی: جامعه اسلامی، منظومه فکری، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، تمدن اسلامی، شاخصه.

مقدمه

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری به مقوله جامعه توجه شده است. و جامعه سازی را یکی از بزرگترین هدف‌های اسلام می‌دانند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۲/۷/۲) و رشد و انحطاط فردی و اجتماعی را به شرایط جامعه مرتبط ساخته‌اند. در اندیشه سیاسی ایشان بر اساس مبانی ارزشی و بینشی، ابتدا جامعه به دو بخش جامعه اسلامی (توحیدی، معنوی، آرمانی) و جامعه جاهلی تقسیم شده است. و معتقدند یکی از رسالت‌های عمومی انبیا ساختن جامعه توحیدی بوده است: "پیامبران آمده‌اند تا دنیا را به شکل نوینی بسازند تا نابسامانی‌ها را ریشه کن کنند، تا رستاخیزی در محیط جاهلی زمان پدید آورند... جامعه‌ای بسازند بر اساس توحید و عدل اجتماعی و تکریم انسان و تأمین آزادی و برای حقوقی و قانونی میان همه گروه‌ها و افراد و نفی استثمار و استبداد و احتکار یعنی تحمل و تحمیق و میدان دادن به استعداد‌های انسان و تشویق به اندیشمندی و دانش آموزی و خلاصه جامعه‌ای که مهد پرورش و تعالی انسان از همه سو و با همه ابعاد اصلیش باشد و او را در مسیر تکامل تاریخ‌اش از نقطه تحول و نقطه عطفی بس مهم بگذرانند. این است وظیفه‌ای که پیامبران خدا برای قیام به آن برانگیخته شده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی جامعه اسلامی را فرایند تکامل انقلاب اسلامی دانسته، آن را چنین تشریح فرموده‌اند: «تشکیل جامعه (کشور) اسلامی در مرحله چهارم قرار دارد که از نظر ترتیب و اولویت بعد از تشکیل دولت اسلامی خواهد بود، هرچند به موازات تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی در حال تشکیل هست، اما اگر دولت اسلامی شود و کارگزاران نظام از نظر رفتار، عملکرد و اخلاق در طراز اسلام قرار گیرند، مردم نیز اسلامی خواهند شد. «جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر لاقل شباهت به آن، منطبق کند. اگر به طور صد درصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست که نیست بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم». (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵) نویسندگان در این مقاله برآنند تا با معرفی ماهیت جامعه اسلامی به بررسی شرایط درونی و بیرونی جامعه اسلامی و ارائه راهبردهای مرتبط با آن و گذار به تمدن اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

جامعه‌ی اسلامی

در بررسی ارکان جوامع به چهار رکن یا اصل اشاره شده که قوام جامعه به آنها بستگی دارد. در جامعه اسلامی نیز همین تقسیم بندی و ارکان موجود است چرا که در یک جامعه اسلامی نیز باورهایی وجود دارد که بر جهان بینی الهی استوار است و باورها در جامعه‌ای که جهان بینی توحیدی حاکم است با جامعه‌ای که سایر مکاتب حاکم است متفاوت است، بطور مثال کسی که جهان بینی توحیدی دارد، باورهایش درباره جهان و انسان‌ها و خودش به گونه‌ای است که بر نظام ارزشی و سبک زندگی او تأثیر گذار است و در سطح اجتماع نیز نهادهای موجود در این جامعه نیز در راستای اهداف جامعه‌ی اسلامی طراحی شده است.

ارکان جامعه اسلامی مؤلفه‌هایی هستند که باید روح اسلام در سراسر آن حاکم باشد که در غیر اینصورت جز کالبدی بی جان چیزی نخواهد بود. مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در مرداد ۱۳۸۰ با هوشیاری بالا طرح تحقق تشکیل نظام اسلامی را در پنج فرایند نهضت اسلامی و به طور خاص، گام چهارم یعنی تشکیل جامعه‌ی اسلامی مطرح فرمودند. جامعه‌ی اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و حتی اقتصادی اسلام است و به جهات فردی و اجتماعی زندگی افراد جامعه اشراف دارد.

جامعه‌ی اسلامی در نظر ایشان عبارت است از «جامعه‌ای که در آن آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی و آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشریت ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند و اینکه به دنبال تحقق این جامعه هستیم.» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان کرمانشاه - ۱۳۹۰/۷/۲۴)

ایشان در واقع جامعه‌ی اسلامی مطلوب را یک حلقه از زنجیره‌ی عالی رسیدن به تمدن اسلامی دانسته عقیده دارند؛ «یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد: پیش‌ها این را گفتیم و بحث شده که حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل دولت اسلامی و بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی، بعد تشکیل امت اسلامی است که همان تمدن بزرگ اسلامی است.» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان کرمانشاه ۹۰/۷/۲۴)

جامعه‌ی اسلامی در بیان مقام معظم رهبری «جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود و در پیشرفت خود دارای نقش و تاثیرند. جامعه‌ای که دارای عزت و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت همه جانبه علمی، اقتصادی، سیاسی و بالا خره جامعه‌ای بدون

سکون و رکود و توقف و در حال پیشروی دائم» (مددی، ۱۳۹۱: ۱۶)

ماهیت جامعه اسلامی

در فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری جامعه سازی بر پایه خمیر مایه دینی ابتدا توسط انبیای الهی شکل گرفته است. آرمان اجتماعی بشریت اولین بار در آموزه‌های انبیاء(ع) تحقق یافته است. در قرآن تعابیر "قریه"، "مدینه"، "مدین"، "مصر" هم زمان با پیامبران اولوالعزم استعمال شده است. تا قبل از حضرت نوح جامعه منسجم شکل نگرفته بود. زندگی عمده خانوادگی و کوچ نشینی است و اقتصاد بر پایه شکار و دامداری است اما با آمدن حضرت نوح (ع) با رواج کشاورزی زندگی یک جا نشینی و اولین نطفه "جامعه" به وجود آمد.

ایشان با اشاره به نقش انبیا در جامعه سازی می‌فرمایند: "انبیا این را می‌خواهند به وجود بیاورند. جامعه بی الهی، جامعه بی با دل انسانی، جامعه بی با احساسات و عواطف صحیح و سالم، جامعه بی که در آن کسی به کسی و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند... جامعه بی که مردم آن جامعه دچار غفلت نباشند، غرق در مادیت نباشند، غرق در خودخواهی و خودپرستی نباشند. کار برای خدا، کار برای رسیدن به آستان لقای ربوبیت. این انسان کامل است. این جامعه ی کامل است. خب، انبیا می‌آیند تا این جور جامعه بی را به وجود بیاورند، آن وقت اگر جامعه بی که انسان‌هایش و مردمش درست فکر می‌کنند، درست عمل می‌کنند، دارای رحم و مروتند، دارای احساس مسؤولیت در پیش خدای بزرگند، دارای احساس معنویتند، غرق در ماده نیستند، همه چیز را برای خود نمی‌خواهند" (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع) ۱۳۷۱/۱/۱۵)

بنابراین "ساخت اجتماعی جامعه ی اسلامی بر اساس اعتقاد به خدا و بر پایه توحید شکل گرفته است" (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۲/۶/۲۱) و بر اساس دین تدبیر می‌شود. (بیانات در دیدار با طلاب و فضلاء در مدرسه فیضیه قم ۱۳۶۶/۹/۱۱) و ماهیت آن به گونه ای است که به صراحت می‌توان گفت: "جامعه ی اسلامی آن جامعه بی است که بر طبق تعالیم و توصیه های پیغمبران خدا مردم دارای اندیشه و فکر شده اند، قدرت تصمیم گیری پیدا کرده اند، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان دشمن را می‌شناسند، دشمن را دفع می‌کنند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۱/۹/۱۲) و در آن از تبعیض و ظلم و نابرابرها هیچ نشانه ای نباشد در آن از فقر از محرومیت خبری نباشد." (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۷/۴/۳۱)

شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

در اندیشه معظم له شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است که وجه مشترک شاخصه‌های تمدن اسلامی در دیدگاه معظم له و سایر اندیشمندان اسلامی است. ایشان از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان شاخصه‌های جامعه اسلامی (تمدن نوین اسلامی) یاد می‌کنند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).

(۱) محوریت قوانین قرآن

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند (امام خمینی ره، صحیفه ج ۱۰: ۴۴۹).

(۲) ایمان

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید». رسالت پیامبر اعظم (ص) نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال

بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز جامعه اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). بنابراین، مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

۳) خردورزی

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ج ۳، ۱۳۷۴: ۵۷). همچنین امام (ره) معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت - از این رو، به اعتقاد ایشان انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود (امام خمینی ره، ۱۳۷۷). ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت

انسان هستند. الف: «عقلانیت معرفتی»؛ ب: «عقلانیت اخلاقی»؛ ج: «عقلانیت ابزاری» (معینی پور و لکزایی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵). از دیدگاه امام (ره) مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقل ما عبدَ به الرحمن» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند؛ بنابراین، از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند.

ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبری معظم انقلاب در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و در برخی موارد شکوفاسازی، گسترش و تکمیل آن مبانی است. چنانچه معظم له در مراسم اوّلین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) تصریح نمودند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴). مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اوّلین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نداشتن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). معظم له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۴) علم

رسالت پیامبر (ص) با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰). قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر (ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند بقره/۲۸۰، نحل/۹۵، عمران/۱۹۰، انعام/۱۱، یونس/۵، عنکبوت/۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَ

قالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ^۱ (روم، ۵۶). سفارش‌های مکرر پیامبر (ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند (بخاری، ج ۱، ۱۹۸۱ م: ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۳۴)؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است» (حرانی، ۱۳۸۷: ۹۵). «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است» (مجلسی، ج ۱، بی تا: ۹۶). پیامبر(ص) برای آزاد کردن بعضی از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را باسواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۴۵۴). اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پرووری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت بپردازند (قربانی، ۱۳۷۰: ۶۵).

از این رو، در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه

ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است (امام خمینی (ره)، ج ۸، ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند» (تقریرات اردبیلی، ج ۳، بی تا: ۳۵۴).

۵) اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵). قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند (عصر، ۱). اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی

گردید، در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌دانند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات پردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). معظم‌له در زمینه اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می‌فرماید: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

۶) مجاهدت

بدون تردید پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبق به سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانچه مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) را به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ۱۰۶؛ الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۵۸۲). بر این اساس در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ

الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) معتقدند که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه فوق با توجه به قید «فینا» و تأکید «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین به اعتقاد معظم له، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است. ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفس و جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود. ایشان در دیدار مسئولان کشور در روز عید مبعث در سال ۱۳۹۰ در خصوص مجاهدت و می‌فرمایند: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۷) حکومت مردمی

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی (ره) از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است؛ مانند مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند

متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا / ۳۸) و «هو آلدی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۴).

۸) پرهیز از تحجر

متحجر کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی‌دهد و اندیشه‌های همسو با اندیشه خود را می‌پذیرد و از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می‌ورزد (مروتی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). تحجر یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد؛ زیرا ما هر روز شاهد تحول در حوزه‌های مختلف زندگی هستیم. در تاریخ اسلام خوارج اولین گروهی بودند که به تحجر و مطلق‌انگاری مبتلا شدند. امام علی(ع) با تعبیر تندی درباره آن‌ها فرمودند: «من می‌کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی‌درمان شده‌اید. کسی را مانند شده‌ام که خار در پایش خلیده است و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می‌داند آن خار در جای خار اول بشکند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۰). خطر تحجر و قشری‌نگری در تمدن نوین اسلامی به میزان بسیاری مورد توجه مقام معظم رهبری قرار دارد و معظم‌له مدام بر تولید فکر و نوآوری در تمامی زمینه‌ها تأکید اساسی دارند. ایشان دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن‌ها لازم می‌داند: یکی تولید فکر، دیگری پرورش انسان. رهبر انقلاب ضمن حمایت از طرح‌الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آن را نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی می‌داند که در این میان فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است. «باید در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بر چهار حوزه فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه حوزه‌ها است. همچنین ایشان درباره برتری فکر اسلامی می‌گویند: «خود فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن کاری است که همگان باید انجام دهند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام شود. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ و ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۹) ایجاد رفاه عمومی

از دیگر شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، مسلک اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی ...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۱۰) استقرار عدالت

عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر

و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۷/۱۳۷۹ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۱۱) دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر

در حدود نهصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان‌ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میان‌روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش‌های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه‌پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱). با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع‌آوری ثروت و ویژه‌خواری، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (توبه، ۳۴). از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است. از این رو نباید به صورت گنج ذخیره‌سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل

ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (بقره، ۲۷۹-۲۷۸). مقام معظم رهبری به بحث اقتصاد سالم در تمدن نوین اسلامی عنایت دارند و از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر که آفت رشد اقتصادی است، به شدت نهی می‌کنند و پیوسته به قوه قضاییه درباره مقابله با ویژه‌خواری و رانت‌بازی، و به دولت‌ها در خصوص پیگیری اجرای سیاست‌های اقتصاد سالم تذکر می‌دهند. دلیل توجه بسیار به مبانی اقتصاد و مسائل پیرامون آن به منابع اسلام باز می‌گردد. به اعتقاد معظم‌له دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از: «افزایش ثروت ملی» که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی» است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۱/۱۳۸۵). تز اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

شاخصه‌های جامعه اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری

۱) حوزه سیاسی

حوزه سیاسی حوزه حکمرانی و حکومت ورزی است. در این حوزه است که پایه‌های بخش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ریخته شده و جامعه در مسیر صحیح قرار می‌گیرد. لذا لازم است که در این حوزه آنچه که در صدر قرار می‌گیرد حفظ انقلاب و دستاوردهای آن باشد تا زمینه‌گذار از نظام اسلامی به جامعه اسلامی فراهم شود. در این زمینه مهمترین تاکید رهبری بر حفظ و گسترش آرمان‌های امام و انقلاب بوده است. فرض مسلم این است که شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. یکی از شاخص‌های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... امام راحل (ره) و همچنین آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب در بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) به ارایه اصول و مبانی هفتگانه ای مکتب امام می‌پردازند و آنها اصول ذیل را «جزو مسلمات منطبق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام» عنوان می‌کنند: «اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی؛ اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه‌ی

مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگویی جهانی؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ حمایت از محرومان و مستضعفان؛ مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران؛ استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری و مسئله‌ی وحدت‌ملّی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) موارد فوق را می‌توان مهمترین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در طول سه دهه گذشته دانست که همگی بر گرفته از آرمانها و گفتمان امام راحل (ره) بوده است.

۲) حوزه اقتصادی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست اما وسیله‌ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می‌شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مورد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب درخصوص آن فرمودند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدف‌ها رسید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبری می‌توان اینگونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مساله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکز هستند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است و تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هويت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند «نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردارها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۵) اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قران کریم، هدف نظام اسلامی را قسط دانسته

و می فرمایند: «اساس جامعه در نظام جمهوری اسلامی لیقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تامین شود». (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹)

نکته مهم در هدف گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبری حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام، پیشرفت محسوب نمی شود. «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی توان از جامعه اسلامی سخن گفت اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

۳) حوزه اجتماعی - فرهنگی

آنچه که بیش از همه تمایز جامعه اسلامی را از جوامع غربی در دو بعد فردی و اجتماعی به نمایش می گذارد حوزه اجتماعی - فرهنگی است. لذا رهبری در توصیف جامعه اسلامی بیش از هر چیز بر بعد سلامت اعتقادی، اخلاق مداری و پرهیز از سطحی نگری تأکید دارند.

آنچه که به فرموده رهبر انقلاب باعث گردید ملت ایران در برای «آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت» ایستادگی کند «قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تایید شده امام عظیم الشان» بود. لذا اگر قرار باشد جامعه اسلامی برقرار گردد نخستین گام تقویت قدرت ایمان و انگیزه در میان نیروهای خود و دومین گام پاسداشت و مراقبت از جامعه در برابر این خطرات خواهد بود. برای رسیدن به این موقعیت ضمن داشتن هوشیاری و بصیرت، برنامه ریزی و آموزش مداوم امری لازم و ضروری است. لازم است که سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه که به فرموده رهبر انقلاب یکی از دستاوردهای چهل ساله نظام است حفظ شده و جلوی رواج «بی بند و باری و فساد»، «آلودگی های اخلاقی» و «لجنزارهای فساد» سد گردد. «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها [است] و اگر در بدنه ی حکومت ها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی

فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در عکس‌العملی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۱).

جامعه اسلامی تنها به شکل و ظاهر خود اسلامی نخواهد بود بلکه اسلامی بودن آن در گرو اجرای احکام اسلام در آن است. جامعه‌ای است که شهروندان و دولت خود را مبادی ادب اسلامی دانسته و بر رعایت احکام الهی پافشاری کنند. در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها را می‌توان در جهان سراغ گرفت که پیشوند یا پسوند اسلامی را در عنوان حکومت خود دارند اما نشانی از اسلام در آنها دیده نمی‌شود. به اعتقاد رهبری «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخشها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۶). ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان‌کاری، قانونگرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می‌توان با آسیب‌شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

معظم‌له تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را از جمله عوامل سکولاریسم پنهان دانسته و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از الزامات تدوین تمدن‌سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمرد «گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

توصیه های اخلاقی مقام معظم رهبری را می توان در سه مقوله اصلی طبقه بندی کرد. آن دسته از توصیه هایی که ناظر به مقام و شأن فردی یک کارگزار است و بایستی در ارتباط با خودش رعایت کند، به عنوان مثال «استمرار ارتباط با خداوند»، اخلاق فردی نام گذاری شده است. همچنین آن دسته از توصیه ها و رهنمودهایی که در ارتباط با جامعه و مردم بیان شده اند، از قبیل کسب رضایت مردم، در اخلاق اجتماعی جای گرفته اند. در نهایت آن دسته از توصیه هایی که درباره ی نحوه ی تعامل با سایرین و زیردستان و در ارتباط با نحوه ی انجام کار مطرح شده است، اخلاق اداری نام گذاری شده اند. رعایت اخلاق فردی طبیعتاً در رعایت اخلاق اجتماعی و اخلاق اداری نقش اساسی ایفا می نماید. در نهایت، هدف از رعایت این بایسته های اخلاقی و پرهیزها در حقیقت خدمت گذاری به مردم در جهت کسب رضایت الهی است (خان محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۸: ۱). اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی به اندازه ای است که رهبر معظم انقلاب آن را حتی بالاتر از «عمل» می دانند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸/۶/۲۹) و می فرمایند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیات نیکو، نمی تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۱/۶)

نتیجه گیری

ابعاد جامعه اسلامی عموماً وقتی اندیشه و معماری فکری مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می گیرد صرفاً رابطه ای یک طرفه را نمایان نمی سازد بلکه با ایجاد مناسباتی تعامل گونه بر یکدیگر تاثیر می گذارد. به گونه ای که نه تنها ساختار اندیشگی مقام معظم رهبری بر نظم نوین تمدن اسلامی موثر واقع گشته بلکه خود نیز بر اساس و برپایه ی برساخت مبانی نظری جامعه اسلامی شکل گرفته است. در این رهیافت علاوه بر مطالعه مبانی و چهارچوب های نظری تمدن اسلامی، ساخت اندیشه ای-فکری گفتمان مقام معظم رهبری نیز مورد کنکاش قرار می گیرد. حال با این چهارچوب تفوریک در این پژوهش مشخص کردیم که شاخصه های جامعه اسلامی (تمدن اسلامی) از دیدگاه مقام معظم رهبری شامل محوریت قوانین قرآن، ایمان، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر می باشد، که در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی می باشد و شاکله نظام فکری مقام معظم رهبری را نیز تشکیل داده است. حال با بررسی ساختار فکری مقام معظم رهبری در قالب شاخصه های جامعه اسلامی (تمدن اسلامی)، مولفه ها و مشخصه

های نظم نوین تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که تصمیم سازان و سیاستگذاران می‌بایست اصول سیاستی خویش را از انگاره‌های جامعه اسلامی اقتباس نموده و الگوی رفتار خویش را در محورهای تمدنی دنبال می‌کنند.

منابع

قرآن کریم.

امام خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۷۷). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۱۲). بیانات در اجتماع مردم اسفراین، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/9975>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام

خمینی رحمه الله، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29914>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰). عدالت اجتماعی، بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد

مقاومتی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=25795&>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۲۰). عدالت و پیشرفت، بیانات در دیدار مردم شاهرود، قابل

دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3366&>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، قابل

دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/9985>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۶). سبک زندگی، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=21344>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۶/۲۹). آراستگی به فضائل اخلاقی، خطبه های نماز عید سعید

فطر، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۹/۲۹). برپایی عدالت اجتماعی اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی، بیانات

در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=57>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵/۹/۵). دیدار اقشار مختلف مردم و مسوولان و کارگزاران دستگاه

ها، قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/content/1357/>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۱/۶). جامعه، اخلاق اسلامی، بعثت پیامبر اسلام، بیانات در دیدار

بسیجیان، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa/archive>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۱/۱۵). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع).

<https://www.leader.ir/fa/archive>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۷/۴/۳۱). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.

<https://www.leader.ir/fa/archive>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۲/۶/۲۱). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.

<https://www.leader.ir/fa/archive>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۱/۹/۱۲). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.

<https://www.leader.ir/fa/archive>

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶/۹/۱۱). بیانات در دیدار با طلاب و فضلاء در مدرسه فیضیه قم.

<https://www.leader.ir/fa/archive>

اکبری، مرتضی (۱۳۹۰). درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران. ایلام: جوهر حیات.

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۸۱م). صحیح بخاری، جلد ۱، ترکیه: انتشارات معاصر استانبول.

حسن، ابراهیم حسن (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.

خان محمدی، هادی؛ کشاورزبان، محمد مهدی (۱۳۹۸). اخلاق کارگزاران از منظر مقام معظم رهبری، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترس در: <http://www.olgou.org/publication>

دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، قم: معارف، ویراست دوم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ و ۱۴، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۷، مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: فراهانی.

قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۰). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (بی تا). اصول کافی، جلد ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری.

مددی، محمود علی (۱۳۹۱). گام چهارم بسوی تحقق جامعه‌ی اسلامی، فرصت‌ها چالش‌ها، قم: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

معینی پور، مسعود و لکزایی، رضا (۱۳۹۱). ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۲۸)، ۵۱-۷۶.
الوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، جلد ۱۰، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.